

برداشت اول از حجاب:

«جلایبهن» یک لغت عربی و جمع است که جلباب مفردش می شود. کتاب‌های لغت جلباب را این‌گونه معنی کرده‌اند: پوشش گشاد پوشاننده سرپای بدن. شما از جلباب روسری و مانتو می‌فهمید. عرب به پارچه گشادی که وقتی زن سر می‌کند بدن را می‌پوشاند، حجم بدن و زیبایی بدن پنهان می‌شود، قد و قامت به درستی از زیر این پارچه پیدا نیست، و تمام بدن را فرا می‌گیرد را جلباب می‌گویند. به زنان امت بگو، به دخترانت بگو، به زنان خودت هم بگو. مستقیم به تو دارم خطاب می‌کنم، خودم وارد مسأله حجاب شده‌ام که به تو دارم خطاب می‌کنم «یا ایها النبی» به همه این زنان بگو «یدنین علیهن من جلایبهن»

یعنی همه وجودشان نه فقط سرشان را «علیهن من جلایبهن» این پارچه گشاد پوشاننده را «علیهن» نه «علی راسهن» به سراسر بدن بپوشانند.

«ذلک أدنی أن یعرفن»

این پوشش گشاد نزدیک‌تر به این حقیقت است که هر مردی و جوانی، زنی را با این پوشش کامل بدنی ببیند. به نظر آن مرد این زن پاکدامنی است «فلا یؤذین» متلک به او گفته نمی‌شود، از او دعوت به گناه نمی‌شود، از او دعوت به برقرار کردن ارتباط نامشروع نمی‌شود. خدا، خدای عالم به همه چیز است.

برای این که در جامعه متلک‌گویی نباشد، برای این که در جامعه مردان بی تقوا زبان درازی به زنان نکنند. اگر این پوشش باشد مورد این آزارها قرار نمی‌گیرند «و کان الله غفورا رحیما»

اگر بعضی از این خانم‌ها قبلا در معرض دید مردان بوده‌اند حالا به این آیه عمل کنند، خودشان را بپوشانند من غفورم، گذشته آن‌ها را می‌بخشم و رحیمم به آن‌ها مهربان می‌شوم.

برداشت دوم از حجاب

آیا در قرآن فقط این پوشش گشاد و پنهان کننده بدن و زیبایی زن مطرح است؟ نه، غیر از این پوشش یک پوشش دیگر هم در قرآن مطرح است که خداوند از آن پوشش تعبیر به خُمر کرده است. خُمر یعنی همین مقنعه‌هایی که در مکه زنان مراکشی سرشان می‌باشد که کاملاً مو و حجم سر را تا روی سینه می‌پوشاند. فقط یک مقدار گردی صورت پیداست، دیگر موی زن، گردن، سینه و گوشواره پیدا نیست. این را هم قرآن با امر واجب استعمال کرده است که زیر پوشش داشته باشند، مبدا یک وقت باد پاییزی سنگین است و چادرشان را رد کرد باز هم چشم‌ها، زیبایی‌ها و زینت‌های زن مسلمان را نبینند. بنابر این دو پوشش در قرآن مطرح است که هر دو باید باشد. یکی جلباب است و دیگر خُمر (به ضم) است.

بانوان اهل بیت: الگوی عفت و عصمت

حضرت فاطمه زهرا(س) دختر پیغمبر اکرم(ص) وقتی مسجد رفت که حکومت را محاکمه کند به دستور آیه احزاب یک پوشش سرتاسری انداخت که از سر تا نوک پاهایشان را بپوشاند و هم خُمر را بر سر انداخت. و حالا برنامه سومش را ما نمی‌توانیم پیاده کنیم که ده الی بیست نفر از زن‌های مدینه را دعوت نمود که در فاصله بین خانه تا مسجد (که شش هفت متر بیش نبود) دور مرا بگیرد که من شناخته نشوم.

زینب کبری(س) هم در بارگاه ابن زیاد به اسرا گفت دور مرا بگیرد که مرا نشناسند و نبینند که ابن زیاد آدم خیلی پررویی بود. اُسرا را که نگاه می‌کرد سؤال کرد: «من هذه التي انحازت فجلست ناحیه و معها نسائهما؟» این خانمی که خودش را پنهان کرده و پیدا نیست کیست؟ کسی جوابش نداد. دوباره سؤال کرد باز هم جوابش را ندادند. دوباره پرسید، خادمی از خدام اهل بیت: که زن بود بلند

شد و گفت دهانت را ببند. چه قدر می‌پرسی، این دختر امیرالمؤمنین(ع) و فاطمه زهرا(س)، زینب کبری(س) می‌باشد که نمی‌خواهد چشم آلوده تو به او بیفتد. خدایا من خیلی خوشحالم که حرف‌های ناب تو را درباره حجاب زنان می‌گوییم و می‌دانم که در قیامت محاکمه نخواهم داشت چون حق تو را ادا کردم. حق حجاب تو بسیار مظلوم است